

**چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۲** (۱۸ مهرمن ۱۴۴۴ – ۲۰۲۳ – تا **اول تویل ۲۰۲۳**، **سال بیست‌ونوم**– **شماره ۵۶۶**)

## نقش بابک هزاربد از ایران تا لندن! بابک ساسانی که بود؟

حرف و حدیث‌ها درخصوص نقش برجسته ساسانی زیاد است. برخی درصدد شناسایی شخصیت و برخی دیگر درصدد تشخیص اصل و فرع بودن آن هستند. در این میان تفاسیر مختلفی مطرح می‌شود که یکی از آنها نقش بابک هزاربد در این نقش برجسته ساسانی است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، پس از انتشار خبر کشف نقش برجسته ساسانی در فرودگاهی در انگلستان و سپس نمایش آن در موزه بریتانیا حرف و حدیث بر سر این نقش برجسته، محل کشف آن، چگونگی خروج و حتا نقشی که بر آن وجود داره، بوجود آمد. در این میان حتا با وجود تایید کارشناسان دوره ساسانی موزه بریتانیا همچنان تاکید می‌شود که باید اصل بودن این نقش برجسته به سه راه دیگه یکی تایید زبان زمان برگزار نمایشگاه به ایران و استرداد اثر بازمی‌گردد، مسئولان متذکر می‌شوند نیاز است تا کارشناسان ایرانی نیز بررسی‌های خود را روی این نقش برجسته داشته باشند و با انجام آزمایش شاید بتوان محل کشف این نقش برجسته ساسانی را نیز حدت زد، با این وجود هنوز هیچ‌یک از کارشناسان ایرانی اصل یا نقلی بودن این نقش برجسته را تایید و تکذیب نکرده‌اند. در این میان همچنان یکی از بحث‌های داغ درباره این نقش برجسته، شخصیتی است که تصویر آن نقش شده. بابک پارساجم (ارمن‌های گردشگری) دراین باره گفت: پس از شکست هخامنشیان اینگونه نبود که همه چیز بدست جانشینان اسکندر مقدونی یعنی سلوکیان بيفته همواره حکومت‌ها و شاهک‌های محلی نیز با جنگ و دندان تاریخ پاره شود و آیین و زبان ایران را زنده نگاهداشتند که یکی از اینها نیز خندان فرتر که (پرتوداران) یا زرتشتیان بودند که سرزمین فارس تا خلیج‌فارس و افغانستان امروزی و بخش‌هایی از میان رودان را دربرمی‌گرفتند و در زمان آمدن اشکانیان همچنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند و نام‌های شاهان آن‌ها هم گواه ایرانی بودنشان است. برای برخی‌ها دلچسب است که بدانند نام یکی از شاهان فرتر که نیز بغداد بوده است، نشانی دیگر بر ایرانی بودن سرزمین امروزی عراق و نام پایتخت آن در کنار یافته‌ها و سازه‌های بی‌شمار اشکانی و ساسانی است. او با اشاره به آنکه بغداد به چم یا معنای خداداد است، گفت: گونه دیگر این نام را در کوه بگستان یا بیستون در کرمانشاه می‌بینیم. با نگاهی به شاهنامه و کارنامه اردشیر بابکان (بابکان) درمی‌یابیم پس از شکست هخامنشیان خندان ساسان از فرزندان اردشیر خاموشی به هندوستان کوچ می‌کنند و چهار نسل در هند زندگی می‌کنند و چهار ساسان در آنجا زاده می‌شود تا اینکه چهارمین کسی که نامش ساسان بود نیز از هند به زادگاه نایکانس در شهر استخر فارس برمی‌گردد و بن‌گوینای ناشناس، ساسانی و چوپان یکی از فرترگه‌ها به نام پایک (بابک) موبد (رومانی زرتشتی) شهر استخر می‌شود. پارساجم در ادامه این داستان، گفت: ناگاه یک شب، بابک در خواب می‌بیند که ساسان از جایگاه شاهان برخوردار است هنگامی‌که از او می‌پرسد که داستان چیست؟ ساسان به بابک می‌گوید: من ساسان چهارم از ریشه اردشیر هخامنشی هستم. بابک او را در آغوش می‌گیرد و دخترش بانو رامپهشتر را به همسری ساسان درمی‌آورد و سپس اردشیر بابکان زاده می‌شود و در هفت سالگی به بازرگیان فرماندار استخر سپرد می‌شود تا راه و روش رزم و کنشورداری را بیاموزد. پس از اینکه اردشیر که جوانی برومند و دانشمند و جنگاوری نامدار می‌شود،

آوازه او به گوش پایتخت اردوان شاه اشکانی در شهر ری استان تهران می‌رسد و او در نامه‌ای از بابک موبد استخر درخواست می‌کند که اردشیر را به دربار او بفرستد. (اردوان شاه ایران نیز همواره با نخوتش بر سر تاج و تخت در نبرد بود و ایران میان دو برادر تجزیه شده بود و همواره از سوی روم و دیگر دشمنان شمال و باختر ایران نیز با تازش و غارت و چپاول روبرو می‌شد.)

او تصریح کرد: اردوان چه در جشن و چه در هنگام ناپیش و شکار نیز اردشیر را مانند فرزند خودش با خود به همراه داشت تا اینکه روزی در شکار گاهی بر شکار یگر کور نیز میان اردشیر بابکان و پسر اردوان درگیری رخ می‌دهد. این رخداد تخم کینه اردشیر را در دل اردوان کاشت و اردشیر را در کاخی زندانی کردند. بنابر شاهنامه فردوسی، یک روزی که اردشیر از پنجره کاخ به ایوان اردوان شاه نگاه می‌کرد ناگهان چشمش به چشم سوگولی اردوان دوخته شد، او کسی نبود مگر بانو گلنار وزیر و کنجور اردوان. همان هنگام به یکباره هردو فرزند خودش را نیز دیدگه می‌شوند. بانو گلنار همان شب دور از چشم نگهبانان، با بند و طناب خود را به خویگاه اردشیر رساند و اردشیر چشمش گشود و او را در آغوش کشید. پس از مدتی بانو گلنار آگاه می‌شود که اردوان می‌خواهد دستور کشتن اردشیر را بدهد بنابراینارشان شاهانگام نگهبانان را سمت کرده و هسر دو می‌گریزند. در یگاه همان روز که همواره اردوان بایدسوز را با دیدن چهره گلنار آغاز می‌کرد، هرچه ماند خبری از گلنار نشد، کم‌کم همه از گریختن آن دو آگاه شدند. اردوان و بزرگان به دنبال آنان شتافتند بر سر راه از دو شاکورز پرسیدند آیا دختر و پسری را دیده‌اید؟! آن دو گفتند آن‌ها سوار بر دو اسب سپید و سیاه بودند و قوچی همبای اسب‌ها می‌بودبا به گفته پارساجم، بزرگان به اردوان گفتند آن قوچ فر و شوکه شاھی اردشیر بوده است. اردوان درمی‌یابد که کار تاج و تختش به پایان رسیده است. اردشیر بابکان پایگاه خیزش خود را در آنجست جزیره بهرام (بخیرین) تدرعبستان امروزی می‌گذارد. در نامه تنسر یکی از بزرگان دربار اردشیر شاه، چنین آمده‌است که اراده اردشیر بر آن است که کین دارا را از اسکندریان (رومین) بخواهد. در شاهنامه فرودوسی ارجمند می‌خوانیم، نیک جهرمی سپهسالار زرتشتی اردوان کتاب اوستا را برداشته و با اردشیر دست دوستی می‌دهد. اردشیر و دیگر همراهان نیز در هرزدگان خوزستان با اردوان روبرو شده و اردوان کشته می‌شود و در ۲۲۴میلادی شاهنشاهی ساسانی پدیدار می‌شود ولی اردشیر که در سنگ‌نبشته سسه زیانه خود در نقش رستم نیز خود را شاه ارپاشهر مینامد و هجده قرن پیش نام همین کشورمان ایران را نوشته‌است برای ایجاد دوستی میان ساسانیان و اشکانیان به بانو دیتک، بیوه اردوان پیوند ناشوپی برپا می‌دارد و از این پیوند که خود داستان شگفت‌انگیزی دارد نیز شاهپور یکم زاده می‌شود. او ادامه داد: شاهپور یکم سه لشکر کنشی باختزمین به خوزمین را با نیروی پشت سر گذاشت و گردیان و پسرش در جنگ نخست کشته شدند و فیلیپ عرب و والرین را اسیر کرد که در نقش رستم می‌توان نقش این نیزدها را دیده. همچنین در نقش رستم فارس را کنار دیگر نگار نگا نیز نمای زیبا از بهرام دوم ساسانی را دیده‌ام که به او بهرام خاتوند استخر سپرد می‌شود زیرا فرمان می‌دهد نقش همسر و دیگر بزرگان و خانواده بهرام را بر روی کوه سپند و مقدس نیز در کنار شاه

بهرام نقش کنند. گرچه گفتنیست که نقش بهرام دوم و همراهان او بر روی یک نقش انشسانی به نام تاریشا زده شده‌است و چپ راست و چپ نقش شاه و همنامی می‌شوند. بانو گلنار همان شب دور از چشم نگهبانان، با بند و طناب خود را به خویگاه اردشیر رساند و اردشیر چشمش گشود و او را در آغوش کشید. پس از مدتی بانو گلنار آگاه می‌شود که اردوان می‌خواهد دستور کشتن اردشیر را بدهد بنابراینارشان شاهانگام نگهبانان را سمت کرده و هسر دو می‌گریزند. در یگاه همان روز که همواره اردوان بایدسوز را با دیدن چهره گلنار آغاز می‌کرد، هرچه ماند خبری از گلنار نشد، کم‌کم همه از گریختن آن دو آگاه شدند. اردوان و بزرگان به دنبال آنان شتافتند بر سر راه از دو شاکورز پرسیدند آیا دختر و پسری را دیده‌اید؟! آن دو گفتند آن‌ها سوار بر دو اسب سپید و سیاه بودند و قوچی همبای اسب‌ها می‌بودبا به گفته پارساجم، بزرگان به اردوان گفتند آن قوچ فر و شوکه شاھی اردشیر بوده است. اردوان درمی‌یابد که کار تاج و تختش به پایان رسیده است. اردشیر بابکان پایگاه خیزش خود را در آنجست جزیره بهرام (بخیرین) تدرعبستان امروزی می‌گذارد. در نامه تنسر یکی از بزرگان دربار اردشیر شاه، چنین آمده‌است که اراده اردشیر بر آن است که کین دارا را از اسکندریان (رومین) بخواهد. در شاهنامه فرودوسی ارجمند می‌خوانیم، نیک جهرمی سپهسالار زرتشتی اردوان کتاب اوستا را برداشته و با اردشیر دست دوستی می‌دهد. اردشیر و دیگر همراهان نیز در هرزدگان خوزستان با اردوان روبرو شده و اردوان کشته می‌شود و در ۲۲۴میلادی شاهنشاهی ساسانی پدیدار می‌شود ولی اردشیر که در سنگ‌نبشته سسه زیانه خود در نقش رستم نیز خود را شاه ارپاشهر مینامد و هجده قرن پیش نام همین کشورمان ایران را نوشته‌است برای ایجاد دوستی میان ساسانیان و اشکانیان به بانو دیتک، بیوه اردوان پیوند ناشوپی برپا می‌دارد و از این پیوند که خود داستان شگفت‌انگیزی دارد نیز شاهپور یکم زاده می‌شود. او ادامه داد: شاهپور یکم سه لشکر کنشی باختزمین به خوزمین را با نیروی پشت سر گذاشت و گردیان و پسرش در جنگ نخست کشته شدند و فیلیپ عرب و والرین را اسیر کرد که در نقش رستم می‌توان نقش این نیزدها را دیده. همچنین در نقش رستم فارس را کنار دیگر نگار نگا نیز نمای زیبا از بهرام دوم ساسانی را دیده‌ام که به او بهرام خاتوند استخر سپرد می‌شود زیرا فرمان می‌دهد نقش همسر و دیگر بزرگان و خانواده بهرام را بر روی کوه سپند و مقدس نیز در کنار شاه



بهرام نقش کنند. گرچه گفتنیست که نقش بهرام دوم و همراهان او بر روی یک نقش انشسانی به نام تاریشا زده شده‌است و چپ راست و چپ نقش شاه و همنامی می‌شوند. بانو گلنار همان شب دور از چشم نگهبانان، با بند و طناب خود را به خویگاه اردشیر رساند و اردشیر چشمش گشود و او را در آغوش کشید. پس از مدتی بانو گلنار آگاه می‌شود که اردوان می‌خواهد دستور کشتن اردشیر را بدهد بنابراینارشان شاهانگام نگهبانان را سمت کرده و هسر دو می‌گریزند. در یگاه همان روز که همواره اردوان بایدسوز را با دیدن چهره گلنار آغاز می‌کرد، هرچه ماند خبری از گلنار نشد، کم‌کم همه از گریختن آن دو آگاه شدند. اردوان و بزرگان به دنبال آنان شتافتند بر سر راه از دو شاکورز پرسیدند آیا دختر و پسری را دیده‌اید؟! آن دو گفتند آن‌ها سوار بر دو اسب سپید و سیاه بودند و قوچی همبای اسب‌ها می‌بودبا به گفته پارساجم، بزرگان به اردوان گفتند آن قوچ فر و شوکه شاھی اردشیر بوده است. اردوان درمی‌یابد که کار تاج و تختش به پایان رسیده است. اردشیر بابکان پایگاه خیزش خود را در آنجست جزیره بهرام (بخیرین) تدرعبستان امروزی می‌گذارد. در نامه تنسر یکی از بزرگان دربار اردشیر شاه، چنین آمده‌است که اراده اردشیر بر آن است که کین دارا را از اسکندریان (رومین) بخواهد. در شاهنامه فرودوسی ارجمند می‌خوانیم، نیک جهرمی سپهسالار زرتشتی اردوان کتاب اوستا را برداشته و با اردشیر دست دوستی می‌دهد. اردشیر و دیگر همراهان نیز در هرزدگان خوزستان با اردوان روبرو شده و اردوان کشته می‌شود و در ۲۲۴میلادی شاهنشاهی ساسانی پدیدار می‌شود ولی اردشیر که در سنگ‌نبشته سسه زیانه خود در نقش رستم می‌توان نقش این نیزدها را دیده. همچنین در نقش رستم فارس را کنار دیگر نگار نگا نیز نمای زیبا از بهرام دوم ساسانی را دیده‌ام که به او بهرام خاتوند استخر سپرد می‌شود زیرا فرمان می‌دهد نقش همسر و دیگر بزرگان و خانواده بهرام را بر روی کوه سپند و مقدس نیز در کنار شاه

ادامه داد: نکته شگفت‌انگیز اینکه، شورویخانه نقش برجسته گویم در پی گذر زمان و رویدادهای زیست بوم و طبیعی و انسانی آسیب دیده و بسیاری از ریزه کاری‌های نقش نابود و فرسوده شده‌است. همچنین با نگاهی به آشنادان ساسانی برم دلک که امروزه در دیرینکده قوام شیراز نگهداری می‌شود به خوبی روش مهرازی و معماری و تاق و مرد نپایشگر را می‌توان دید. گویا نقش روده شده نیز قرینه و آیینه نقش او در کنار بهرام خاتوندوست است. همچنین بر روی آن جای گذر لوله و آب به همراه سوراخ‌ها و پوک شدگی و فرسایش نیز دیده می‌شود (درست مانند نقش بهرام و شاهاپور در تنگه چوگان) که بر تن او و شاهاپور یکم ساسانی به ویژه در نقش پیروزی شاهپور در نقش رستم و داراب فارس و همچنین شهر شاهپور (نقش‌ا) در آذربایجان و نقش‌های مهرازی دوم و دیگر نقش و نگارهای ساسانی … است. همچنین چین خوردگی و پای جامه یا شالوار او همانند پای جامه شاهپور سوار بر اسب و همچنین نقش ایزدبانو آناهیتا در نقش دپهیم سناتی نرسی هفتمین شاه ساسانی و نقش بهرام دوم است. پارساجم یادآور شد: گفتنی‌ست که پیشتر نقش‌های ساسانیان در کنار چشمه و رودها زده می‌شدند تا شاید یاد و نام و نپایشگاه ایزدبانو آناهیتا را پیش چشم مردم سبازد و پیوند میان آب و آتش را گواهی می‌دهد. مانند آتشکده اردشیر بابکان در فیروزآباد و با نقش نگار ساسانیان در تاق وسان و به ویژه نقش خسروپرویز و ایزدبانسو آناهیتا و درپایچه روبروی آن؛ نکته اینجاست که باید چشم به راه باشیم تا از دیگر تکه‌های این نقش رونمایی شود چرا که این نگاره سنگی نمی‌تواند تنها بوده باشد و به همراه دیگر تکه‌های پنهان شده نیز بی‌شک یک آیین و مراسم را نشان می‌دهد.

### اظهار نظر جالب کارگردان فیلم «آهنگ دو نفره»

## تشویق کیارستمی برای ساخت فیلم تجاری!

ارزانش درباره اینکه آیا واقعا این موضوع برای او به عنوان یک فیلمساز زن سخنی‌هایی داشته چرا که بیشتر همکارانش سراغ فیلم‌های هنری و اجتماعی می‌روند، گفت: من معتقدم فیلم باید ساخته شود تا مردم ببینند و پول آن هم در بیاید، البته برای آن‌هایی که می‌گویند سینما یک هنر است احترام قائلم ولی من معتقدم سینما صنعت است هرچند سینما در ایران هنوز صنعت نیست بلکه یک سینمای بومی محلی است که شمالی از سینمای صنعتی را نشان می‌دهد. سینمای صنعتی به این معناست که مثلا برای یک نقش چند بازیگر در اختیار داشته باشیم تا حق انتخاب وجود داشته باشد ولی ما زمانی که می‌خواستیم فیلم را کلید بزیمم دوران کرونا بود و بازیگرها یا کار نمی‌کردند یا بیشتر آن‌ها در سرحال‌های شبکه نمایش خانگی با قراردادهای طولانی مشغول بودند.

این‌ها کار را برای ما بسیار سخت کرد در صورتی که اگر سینما، در اینجا هم صنعت بود این نقش‌های متفاوت کار را بهتر می‌شد پیش برد. همچنین ما برای فیلم به دنبال یک بازیگر – خواننده می‌گشتیم که با بازیگر با ویژگی خوانندگی کم داریم و آقای فرزاد فرزین از معدود هنرمندان واجد

شرایط بود که علاوه بر خوانندگی، تجربه با بازیگر هم داشت. ارزانش در پاسخ به اینکه اولویت خودش برای فیلمسازی چیست و آیا صرفا فیلم‌های تجاری و سرگرم‌کننده را می‌پسندند؟ گفت: به نظر من ساخت فیلم سرگرم‌کننده یا فیلمی که دغدغه‌های اجتماعی را مطرح کند، در کنار هم می‌تواند مهم باشد. منتها به شرایط هم بستگی دارد؛ دو سال قبل و زمانی که «آهنگ دو نفره» را ساختیم دوران شیوع کرونا بود که خیلی از مردم در خانه افسرده شده بودند و ما فکر کردیم که این فیلم می‌تواند مردم را بخانداند یعنی امیدوار بوی که اگر کمی خنده هم به لب مخاطب بنشاند، موفق شده‌ایم چون در آن زمان براین باور بودم که باید به مردم امید داد و الان هم بر این باور هستم که باید فیلم سرگرم‌کننده و کمدی ساخته شود، البته خود به فیلم‌های معمای – پلیسی و جنایی هم علاقه زیادی دارم.

او یادآور شد: برخی همکاران و دوستانم بخاطر سابقه هنرجویی و شاگردی من نزد آقای عباس کیارستمی می‌گفتند که چرا می‌خواهی کمدی بسازی؟ جواب من این بود که وقتی ایشان زنده بودند یک بار گفتم که می‌خواهم فیلم کمدی – تجاری بسازم و ایشان استقبال کردند و گفتند کار خوبی



دادگاهی که در آن او به دلیل تجاوز قانونی به یک دختر ۱۳ ساله محکوم شده بود، خودداری می‌کند. پولانسکی در سال ۲۰۱۸ از آکادمی علوم و هنرهای تصویر متحرک اخراج شد و اعطای جایزه بهترین کارگردانی او در جوایز سزار فرانسه در سال ۲۰۲۰ به خاطر درام «یک افسر و یک جاسوس»، حواشی فراوانی ایجاد کرد. پولانسکی آخرین بار در سال ۲۰۱۳ با درام «نونس در خز» در کن ظاهر شده بود. هفتاد و ششمین دوره جشنواره فیلم کن در تاریخ ۱۶ تا ۲۷ می سال ۲۰۲۳ (۲۶ اردیبهشت تا ۶ خرداد ۱۴۰۲) برگزار می‌شود.

## فرهنگی

## کتاب شنیداری، راهی برای گسترش کتابخوانی رویاسلمی

مک لوهان در کتاب «درک رسانه» از سه دوره ارتباط رسانه‌های در تاریخ بشری یاد می‌کند و این سه دوره را با نوع زندگی اجتماعی بشر تطبیق می‌دهد. وی این سه دوره را با عنوان کهنکشان شفاهی، کهنکشان گوتنبرگ و کهنکشان مارکنی مطرح می‌کند. به زعم مک لوهان در کهنکشان شفاهی که از آن با عنوان نظام قبیلله‌ای یاد می‌کند، ارتباطات شفاهی الگوی اصلی ارتباط انسان است و تعاملات رو در رو و کنش شفاهی از مهم‌ترین رسانه‌های ارتباطی بشر در این دوره هستند. یکی از دلایل عدم تمایل ایرانیان به مطالعه، فرهنگ موسوم به شفاهی آنها قلمداد شده‌است. به باور محسین‌اراد، تفاوت بین مدت زمان اقامت غربی‌ها در کهنکشان‌های سه‌گانه مک لوهان و ایرانیان از یک طرف و کیفیت این اقامت از طرف دیگر، سبب بروز ویژگی‌های اجتماعی خاصی در زمینه ارتباطات انسانی و رفتار فرهنگی آنها شده‌است. به باور او، بدون در نظر گرفتن متغیر سواد، شاید بتوان کم توجهی نسبی ایرانی‌ها را به پیام‌های مکتوب، چه در حد روزنامه، مجله، کتاب و چه گزارش‌های اداری، نامه‌نگاری و… ناشی از عواملی از جمله عدم اقامت کافی در کهنکشان گوتنبرگ دانست.

در واقع با بررسی کمی مدت زمان اقامت در سه کهنکشان شفاهی، مارکنی و گوتنبرگ، این کمیت‌ها را مبنای قضاوت درباره ویژگی‌های اجتماعی در زمینه ارتباطات انسانی می‌کند. وضعیت اقامت‌های مختلف ایرانیان در سه کهنکشان مذکور و اختلاف ماندن در هر کدام از این کهنکشان‌ها، یکی از عوامل عدم تمایل ایرانیان به خواندن متن مکتوب است. اینکه ما ایرانیان واجد فرهنگی شفاهی و ارتباطات میان فردی مستحکم هستیم، نکته قابل اهمیتی در بررسی علت عدم گرایش آنها به کتابخوانی دارد. اما نباید از نظر دور داشت که فعل خواندن مدت‌هاست محدود به مطالعه متن مکتوب یا کتاب کافذی نیست. کتاب‌های شنیداری و صوتی، امکان دیگر گونه مطالعه را فراهم می‌سازند. در کنار علمی مانند قیمت بالای کتاب، دسترسی و توزیع نامتوازن آن در سطح کشور، می‌توان از قابلیت و فرصت‌هایی که کتاب‌های صوتی در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، صحبت کرد.

ضمن اینکه زندگی مدرن امروزی که به شدت با ابزارهای الکترونیک گره خورده است، بر زیست فردی افراد تاثیر قابل توجهی داشته و در این ارتباط مستمر الکترونیکی، مطالعه به شیوه کلاسیک آن کمتر مجالی برای مخاطب ایجاد می‌کند. مخاطبی که در تصرف شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی قرار داشته و نمی‌تواند زیست خود را بیرون از این فضا مدیریت کند. بنابراین شاید بتوان معادله عدم اقامت کافی در کهنکشان گوتنبرگ را با فرهنگ شفاهی ایرانیان و بهره‌گیری از ویژگی‌های شنیداری کهنکشان مارکنی بر هم زد و فرهنگ شفاهی را در ترکیب با امر شنیدین به کمک سرانه مطالعه پایین آورد و گسترش آن با توجه به قابلیت‌های شنیداری کتاب صوتی نقصان موجود را کاهش دهد. در این باره فیاض کاتبی‌الکتابخوانی، کرونا نیز کاتالوژیروی است که مسیر زیست ماشینی افراد را با سرعت بیشتری پیش می‌برد. برخط شدن بسیاری از اموری که تا پیش از کرونا به شیوه فیزیکی صورت می‌گرفت، روند ماشینی شدن را تصاعدی‌وار افزایش داده‌است. هنگامی که فرهنگ شفاهی و فضای کرونا را در کنار یکدیگر قرار دهیم، شاید بتوان به گزینه کتاب صوتی یا شنیداری از دید فکر کرد. شنیدن کتاب در تراфик‌های طولانی و در میان ساعاتی که زندگی شهری فرد را مجبور به صرف وقت بیشتری می‌کند، جایگزینی مناسب برای مطالعه کافذی کتاب محسوب می‌شود. شنیدین کتابی که تا پیش از این فرصتی برای خواندن آن وجود نداشت. ضمن اینکه امکان دسترسی فیزیکی آن با توجه به توزیع محدود و شمسارگان پایین مشکل به نظر می‌رسد و قیمت بالای کتاب، شنیدین کتاب را شنیدنی‌تر می‌کند. اما برخی شاید کتاب صوتی را چندان به عنوان فعالیتی قابل قبول و موثر در ترویج کتاب و کتابخوانی ندانند، اینکه این فعالیت چه میزان با امر مطالعه نسبت برقرار می‌کند یا خیر، شاید چندان مورد اهمیت نباشد. نکته آخر اهمیت، گرایش و سلیقه آوردن بستر برای عدت به مطالعه ره به شیوه‌ای است. فضای مجازی و فراهرمی امروز نه تنها مانعی برای مطالعه بیشتر کتاب نیست، بلکه می‌تواند مسیر سهل و قابل دسترسی‌تری را برای کتابخوانی میسر سازد.

### اخبارکوتاه

### «خانن کشی» مسعود کیمیایی پروانه نمایش گرفت

شواری پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش ۳ فیلماز جمله «خانن کشی» اثر مسعود کیمیایی موافقت کرد. به گزارش ایرنا از اداره کل روابط عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی بصری، شواری پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر با صدور پروانه نمایش برای فیلم‌های: «سلوک» به تهیه‌کنندگی علی اوجی و کارگردانی عباس رافعی، «حدود ساعت ۸ صبح» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی مهنرچهر هادی و «خانن کشی» به تهیه‌کنندگی علی اوجی و کارگردانی مسعود کیمیایی موافقت کرد. «خانن کشی» درباره رفاقت و مردمداری است و گذری به ماجرای ملی شدن صنعت نفت دارد که سکناس‌های مربوط به این رخداد تاریخی در روز ۲۹ افسفندماه همزمان با روز ملی شدن صنعت نفت فیلمبرداری و به پایان رسید. امیر آقایی، پولاد کیمیایی، سهراب پراهمی، پانته آ بهرام‌اندیشه فولادوند، سمید رضا آذرنگ، سام درخشانی، نرگس محمدی، برضا یزدانی، الهام حمیدی، نسیم ادینی، فریا نادری، شکیب شجره، پردیس پور عابدینی با حضور فرهاد آنیش، اکبر معززى، سعید پیردوست، امیررضا دلآوری، ایوب آقاخانلی‌نسام نوری، امیر کاوه آهنین‌جان، سینما سپندر سلیمانی، الیا کیوان، شکر خدا گودرزی، شاپور کلهر، امیرحسین نوروزیبگی، مانی حیدری، سوس لکل خالق، فریا نادری، فرحیدر شهنوردی،مریم عباس زاده، بشیر ادرسی،شایان عسایان و کیانوش گرمای و بهرام بهرامیان، سامان سالور، جواد طوسی با هنرمندی مهران مدیری از بازیگران این فیلم هستند.

### آخرین فیلم علی انصاریان اکران می‌شود

فیلم سینمایی «قطع فوری» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی مریم بحرالعلومی از چهارشنبه ۴اردیبهشتماه در سینماهای منتخب گروه هنرتوجیه‌اگران خواهد شد و پوستر جدید این فیلم با طراحی میدیا واتقی در راسته اکران، رونمایی شد. مریم بحرالعلومی پیش از این فیلم‌های تحسین شده «پاسیو» و «شهربانو» را ساخته‌است و جوایز متعددی از جشنواره‌های داخلی و خارجی از جمله سیمرغ بهترین کارگردان آسیایی جشنواره جهانی فیلم فجر و جایزه بهترین فیلمساز زن جشنواره داکا را دریافت کرده‌است. فیلم سینمایی «قطع فوری» که تاکنون منتخب بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی داکا و برگزیده ششمین جشنواره زنان فیلمساز ترکیه بوده‌است، قصه‌ای عاشقانه از شبی کروناوی را روایت می‌کند که زمین لرزهای پنج ریشتر، تهران را می‌لرزاند. فیلم‌های گروه سینمایی هنرتوجیه، هر روز دو سانس، ۱۶ و ۱۸ در سینماهای منتخب این گروه در تهران اکران می‌شود و روزهای چهارشنبه نیز در سینماهای منتخب هنرتوجیه در شهرستان‌های سراسر کشور روی پرده می‌رود. علاقه‌مندان برای تهیه بلیت می‌توانند به سایت‌های بلیت‌فروشی مراجعه کنند.

### شروع نیم میلیاردی سومین جنگ جهانی

ششمین ساخته هومن سیدی موفق شد با اکران در ۳ روز نخست هفته جاری، به گیشه ۵۰۰ میلیون تومانی دست یابد. به گزارش ایرنا، جنگ جهانی سوم که اکران خود را از روز شنبه آغاز کرده بود، موفق شد طی ۳ روز نخست نمایش خود، ۸۶۰۰ مخاطب داشته باشد. این تعداد مخاطب، با نمایش فیلم ۲۲۴ سانس تعریف شد تا گیشه فیلم به رقم ۵۰۰ میلیون تومان برسد. این میزان استقبال در شرایطی برای جنگ جهانی سوم مطلوب به نظر می‌رسد که افتتاحیه فیلم در روزهای ابتدایی هفته که عموما جزو خلوت‌ترین روزهای سینمایی است، محقق شد و ثابا، تبلیغات چندانی برای فیلم منظور نشد و بسیاری از دوستداران این گونه، اطلاع چندانی از اکران فیلم نداشتند. جنگ جهانی سوم موفق شد تا طی ۳ روز ابتدایی هفته، به دومین فیلم برقبال سینماها تبدیل شود و پس از فسیل، آمار بیشترین میزان استقبال و داغ‌ترین گیشه را به خود اختصاص دهدضمن اینکه اکران شهرستان این فیلم نیز هنوز آغاز نشده و این آمار، تنها مختص به سینماهای پایتخت است. البته باید به این میان نیز اشاره کرد که طی ۲ روز ابتدایی اکران این فیلم، کمتر از ۲۰۰ سینمای تهران اقدام به نمایش کردند که این تعداد برای روز سوم، به ۲۱ سینما افزایش پیدا کرد. با این مختصات، افتتاحیه‌ای که برای جنگ جهانی سوم رقم خورد، قابل قبول است و طبیعتا در ادامه، با توجه به تعدد سینماهای نمایش‌دهنده و البته آگاهی بیشتر دوستداران این فیلم از نمایش آن، قطعا بر میزان استقبال افزوده خواهد شد. جنگ جهانی سوم تاکنون در جشنواره‌های ونیز، لوکس، لوانجلس، استکهلم، فلورانس، بلگراد، لوکزامبورگ و فرایبورگ، موفق به افتخار آفرینی شده‌است.